

آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۳۸ دی ۱۳۹۶

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان
به مناسبت اعتراضات مردمی دیماه ۱۳۹۶

هموطنان گرامی!

فرقه دموکرات آذربایجان اعتراضات شدید زحمتکشان محروم خلقهای سرزمینمان را نتیجه سیاست های اقتصادی و اجتماعی و ضد مردمی حاکمیت جمهوری اسلامی میدانند و حمایت خود را از اعتراضات و مبارزات و خواسته های عدالت طلبانه و دموکراتیک شما اعلام میدارد.

خیزش اعتراضی که با تجمعات گسترده مردم در هفتم دیماه از استان خراسان شروع شد، به سرعت اغلب استان های کشور را فرا گرفت. بدون تردید این حرکت اعتراضی فراگیر محصول وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و نارضایتی شدید توده های مردم از عملکرد چندین ساله رژیم جمهوری اسلامی است. عملکرد تاراج گرانه و فاجعه باری که از جمله نتایج آن تشدید کم سابقه گرانی، فقر، محرومیت، بیکاری، اعتیاد، فحشا و فجایع محیط زیستی است. عملکردی که در شهرها محرومین را به سوی کارتن خوابی و گورخوابی و تغذیه از سطل های زباله سوق میدهد و در استانهای مرزی غرب کشور انسانها را به کولبری در کوهستانها حتی در سرمای شدید زمستانی وادار میکند.

ادامه درص ۲

نغمه ی پیوند
سیاوش کسرای



ای شمایان، اتحاد خلق را آوا کنید
نغمه ی پیوند بردارید، تا غوغا کنید
پرچم پیروزی دیروز بر دوش شماس
فرستی تا هستتان، اندیشه ی فردا کنید
جان مایید، ای به ره ارزان نهاده جان خویش!
گر نه در اندیشه خویشید، فکر ما کنید
سرخ گسترید خون خون به پیش روی خصم
بر سر این سفره با هم ای رفیقان، تا کنید
چون ددان را تا گنم خویش واپس رانده اید
بیشه، پر دز پاسداران پلنگ آسا کنید
شه شکستید و به شه سازان هجوم آورده اید
تا سر افتد دشمن قدر را بی پا کنید
بر عدو بستید هر در، کز عداوت می گشود
حیلت آوردست اکنون، مشت او را وا کنید
دشمن بی چهره را با صد نشان باید شناخت
تا به هر رنگی که رو پوشد ورا رسوا کنید
فاش گفتید آنچه با بیگانه می بایست گفت
حالیا این دل به دشمن دادگان افشا کنید
در میان آن همه آواز کج آهنگ، باز
ای شمایان، اتحاد خلق را آوا کنید!
زنده یاد سیاوش کسرای

گوشه هایی از تاریخ معاصر ایران
رسول مهربان

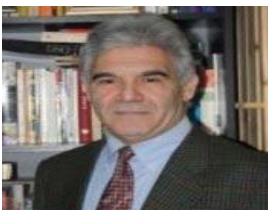


گروهی از رهبران و فعالان فرقه دموکرات آذربایجان
زیر نواوری از سترخان، یحیی، باقرخان، و خدیجه خان صوفیانی.

قریب به 72 سال از نهضت دموکراتیک
آذربایجان می گذرد. طی این سالها کم
نبودند نویسندگان و قلم به مزدانی که
با همه وجود جنبش 21 آذر را زیر
تازیانه تبلیغات نا جوانمردانه گرفته اند.
البته نباید فراموش کرد در مقابل هم

هستند اندیشمندان، محققان و تاریخ نگارانی که علیرغم همه محدودیت ها با ارائه اسناد بسیار فراوان تلاش بایسته ای برای زدودن گردوخاک ناشی از گرایشات مغرضانه به عمل آورده اند. از آن میان می توان به تحقیقات ارزشمند استاد رسول مهربان اشاره کرد. ادامه درص ۳

خشم و خروش مردم، حيله و نیرنگ رژیم
دکتر محمد حسین یحیایی



از مدت ها پیش انتظار آن می رفت که تهیدستان، زحمتکشان، جوانان بیکار، مایوس و سرخورده از دست حقه بازان سیاسی متشکل از چندین جناح حکومتی پا به میدان مبارزه بگذارند و خشم فرو خورده در سال های طولانی خود را به حامیان تبهکاران، دزدان فاسدان، اجتماعی و اقتصادی، رانت خواران سیاسی که سال ها از خوان نعمت رژیم و اندوخته اندک مردم به ثروت های هنگفت و بادآورده رسیده و همچنان با استفاده از همه ابزار سرکوب، مذهب و حيله گری های ارتجاعی، بر گرده مردم مظلوم، رنجدیده و ستم کشیده نشسته و با تحقیر یکه تازی می کند، نشان دهند.

ادامه درص ۶

تلویزیون به جای ساز عاشیق ص ۸

۱۹۴۵-۱۹۴۶ جی ایلرده ایکی گنج ص ۱۰

"بیکاری کارگران" ص ۱۲

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

همواره با همه امکاناتشان می کوشند تا اعتراضات و مبارزات مردم را منحرف کنند، در حرکات آنها مداخله کنند، شعارها و خواستها و مسیر مبارزه را در جهت منافع خود تغییر دهند. ما مخالف دخالت‌های بیگانگان هستیم. دولتهای ارتجاعی منطقه و همسایه ایران و دولتهای امپریالیستی نظیر آمریکا و انگلستان و بازماندگان نسبی و فکری دیکتاتوری سلطنتی مخلوع دوست خلقهای ایران نیستند. با توسل به آنها آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و حقوق دمکراتیک خلقها در میهنمان ایران برقرار نخواهد شد. هشیاری مردم و سازمان های صنفی و سیاسی ترقیخواه، نه تنها می تواند این توطئه ها را خنثی کند، بلکه با اشتراک عمل و نظر، میتواند جنبش را به شکل منظم و متشکل به سوی تحقق اهداف عمومی سوق دهد.

برادران و خواهران غیور آذربایجانی!

خلقهای ساکن ایران!

هشیار باشیم. تجربه به ما نشان داد که در همان دوره یکساله حکومت ملی آذربایجان(1324-1325)، مالکین و فئودالها و روحانیون بزرگ در کنار شاه و امپریالیستهای آمریکا و انگلستان قرار گرفتند. مزدوران مسلح فئودالهای بزرگ آذربایجانی نظیر ذوالفقاری ها، درنده تر از ارتش شاه در قتل عام اهالی آذربایجان شرکت کردند. ولی در مقابل، بسیاری از روشنفکران و افسران و تفنگ به دستان فارس و کرد و دیگر خلقهای ایران به کمک نهضت 21 آذر شتافتند.

منافع خلقهای ساکن ایران در همسویی و اتحاد عمل و هماهنگی با یکدیگر و تلفیق مبارزه برای تحقق حقوق ملی و فدرالیسم با مبارزه سراسری برای استقرار آزادی های دمکراتیک و عدالت اجتماعی در میهنمان ایران است. بدون این مبارزه تلفیقی، جنبش های خلقهای میهنمان از محتوای مترقیانه خود دور شده و مورد سوء استفاده حاکمیت جمهوری اسلامی و دیگر مرتجعین داخلی و خارجی قرار خواهد گرفت

اتحاد عمل سازمانهای سیاسی کشور همگام و همصدا با تحولات میهنمان قادر است حاکمیت ارتجاعی کشور را گام به گام تا برآورده شدن خواست واقعی مردم به عقب نشینی و تسلیم وادارد. پیروز باد جنبش حق طلبانه و دمکراتیک خلقهای ایران!

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

پانزدهم دیماه 1396

طی سالهای اخیر، مردم، بخصوص زحمتکشان نارضایتی شدید خود را به اشکال گوناگون نشان می دادند. طی ماههای اخیر نیز شدت نابسامانی های اقتصادی و اجتماعی موجب حرکتهای اعتراضی وسیع و رو به گسترش کارگران، معلمان و مالباختگان می گردید. همه این اعتراضات رو به گسترش نشان می دادند که میزان تحمل زحمتکشان و محرومین لبریز شده و جامعه آماده انفجار اجتماعی و نافرمانی است که جرعه آن در خراسان زده شد.

اما محدودکردن دامنه اعتراضات فقط به مسایل معیشتی خطای بزرگی است. شعارها و خواستهای معترضین در خیابانها و میدانها از این مرحله عبور کرده و همه سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه رژیم جمهوری اسلامی، و به ویژه حاکمیت ولایت فقیه را خطاب قرار داده است.

پس از غصب حاکمیت برآمده از انقلاب بهمن 1357 توسط نیروهای ارتجاعی، جامعه ایران سالها است که دچار بحران های گوناگون و همه جانبه است. برای خروج از این بحران ها باید ریشه ها و علت های حقیقی آنها به شکل منطقی مورد توجه قرار گیرد. تصمیمات صحیح در جهت منافع اکثریت مردم و خلقها و اقلیتهای قومی و مذهبی ساکنان سرزمینمان ایران اتخاذ گردد و به اجرا گذاشته شود. در غیر این صورت، حتی اگر حاکمیت موفق به سرکوب اعتراضات شدید و گسترده فعلی گردد، بازهم دیر یا زود، زحمتکشان و محرومین خلقهای کشورمان مبارزات و اعتراضات خود را به شکل گسترده تر و منظم تری ادامه خواهند داد.

این موضوع که جناح های حکومتی اعم از «اصولگرا» یا «اصلاح طلب» تلاش می کنند جناح رقیب را مسبب و مقصر این بحران ها بدانند و یا عوامل دولتهای بیگانه را در سازماندهی اعتراضات مردم دخیل بدانند، بازی نخ نما و رسوائی است که نشان می دهد هنوز آنها نمی خواهند پاسخگوی خواست های مردم شریف ایران باشند. علاوه بر این، انتساب این اعتراضات و مبارزات حق طلبانه به بیگانگان توهین بی شرمانه به همه زحمتکشان و محرومین خلق های ایران است.

هم میهنان گرامی!

همچنان که تجربه تاریخی مبارزات دمکراتیک و ترقیخواهانه خلق های کشورمان و دیگر کشورها نشان میدهد، حکومتهای دیکتاتوری و ضد مردمی و نیروهای ارتجاعی داخلی، همچنین دولتهای امپریالیستی و مداخله گران دور و نزدیک ارتجاعی بیگانگان،

آصف که طیف گسترده مالکین مراغه و اطراف تبریز را تشکیل می دادند، در این تلاش بودند که حتی پس از شهریور ۲۰ و فروپاشی نظام جبارانه رضا خانی همان بهره کشی سابق را از روستائیان ادامه دهند. حقیقت آن است که آرامش و ثبات گورستانی رضاخانی به مالکین و خان های آذربایجانی امکان داد تا بدترین نوع بهره کشی فئودالی را بر اراضی مستعد و جمعیت های کثیر روستایی آذربایجان تحمیل کنند. از آنجا که آذربایجان وارث سنن انقلابی قیام مشروطه و قیام شیخ محمد خیابانی بود، رضا شاه بیشترین فشار و خشونت را برای محو همه این سنت ها بکار برد و تا آنجا پیش رفت که تکلم خلق آذربایجان را به زبان آذری ممنوع کرد و در این سیاست شونیستی و ضد خلقی همه مالکین عمده و خان ها و مجتهدان زمیندار و امیران لشکر آذربایجان و گروهی از روشنفکران مشروطه خواه خود فروخته مانند تقی زاده و حکیمی و ساعد مراغه ای به رضا خان کمک کردند. آن عده از نویسندگان بورژوازی که علیه جنبش دموکراتیک ملی آذربایجان و شادروان پیشه وری قلم فرسایی کردند به هیچ وجه به این همه مظالم حتی اشاره هم ندارند. اما تا آنجا که توانسته اند آن نهضت مردمی و خلقی را ساخته و پرداخته شوروی معرفی کرده اند. مثلاً عبدالله مستوفی که در سال ۱۳۱۹ استاندار و والی رضاخان در آذربایجان بود و جنایات بسیاری کرده بود، به آن همه خفقان و اختلاس و چپاولی که خود دخالت مستقیم در ایجاد و ارتکاب آن داشت در سه جلد کتاب پر حجم و قطورش حتی اشاره ای هم ندارد و خود ریشخندها و سفسطه ها و سخنان موهن و شرم آوری علیه رهبران جنبش آذربایجان و همه خلق آذربایجان نوشته است. و در ضمن تا آنجا که توانسته است و در چنته و ظرفیت و قلم لیچار نویس خود داشته است، علیه اتحاد جماهیر شوروی و دست آوردهای انقلاب اکتبر کاغذ سیاه کرده است و ماحصل و محتوای آن همه چرندیات با نوشته های ابولفضل قاسمی تاریخ نگار ملی و روشنفکر! کاملاً هم کاسه و می توان گفت رونویس همان حرفها است.

عبدالله مستوفی که عناد و لجاج بی شرمانه ای نسبت به خلق آذربایجان و به آزادی و آزادیخواهی دارد، می نویسد: «بالاخره، چند نفر از سران این حکومت قلابی، مانند پیشه وری (باش ناظر) و شبستری رئیس مجلس شورای ملی و یکی دونفر دیگر التقات فرموده، برای مذاکره مواد تصویب نامه دولت با طیاره به

کتاب ۴ جلدی "گوشه هایی از تاریخ معاصر ایران" نوشته محقق و دانشمند معاصر کشورمان رسول مهربان با ارائه اسناد و مدارک متقن، نقش مهمی در شکل دهی افکار پویای جوانان دارد. کتاب استاد مهربان می تواند در پالایش افکار زهر آلودی که دشمنان خلق های ایران در میان نسل جوان پراکنده اند، نقش ارزشمندی داشته باشد. بویژه در حال حاضر که با جنبش گسترده اجتماعی مواجهیم.

در جلد اول کتاب "گوشه هایی از تاریخ معاصر ایران" فصل دوم، استاد رسول مهربان جنبش دموکراتیک آذربایجان را مورد دقت و بررسی عالمانه قرار داده است. سایت فرقه دمکرات آذربایجان و روزنامه آذربایجان بنا بر اهمیت این تحقیق و بررسی، آن را در چند نوبت در اختیار خوانندگان قرار می دهد. قابل ذکر است که جلد اول و دوم کتاب "گوشه هایی از تاریخ معاصر ایران" در کتابخانه سایت در دسترس همگان قرار دارد.

جنبش دموکراتیک آذربایجان و دولت انقلابی پیشه وری

کابینه صدر الاشراف بهر ترتیب و جان کندی بود، توانست با بسیج ایلات و عشایر مسلح و چاقو کشکشان سید ضیاء و ستاد ارتش و ژاندارمری تحت فرمان شوارتسکف آمریکائی، بر مناطق کارگری اصفهان، خوزستان، گیلان و مازندران و تهران تسلط شکننده و لرزانی بر قرار کند. اما همین تسلط لرزان را نتوانست بر آذربایجان تحمیل کند. تهاجم مسلح خان ها و شاهزاده های قجری و خاندان مجتهدی ها و روحانیون صاحب زمین های بزرگ با مقاومت دسته جمعی و خشم آگین کشاورزان روبرو شد و بازتاب وسیعی در شهرها بخصوص در تبریز و مراغه و اردبیل و خوی بوجود آورد.

حزب توده ایران با تلاش بسیار به سازماندهی این مقاومت های پراکنده اقدام کرد. کارگران کارگاه های شهری و چند کارخانه کوچک به جنبش های دهقانی کمک رساندند و علاوه بر آن خرده بورژوازی و مجموعه شهرنشینان زحمتکش و روشنفکران مترقی و انقلابی که وارث سنن انقلابی قیام مشروطیت و قیام شیخ محمد خیابانی بودند، در یک جبهه علیه ارتجاع گرد آمدند. پس مانده های شاهزاده های قجری مقیم آذربایجان مانند خاندان شازده ملک قاسمی و شازده جهانبانی و خانواده های فرمانفرمایان و روحانیون زمین دار و متولی باشی های مجتهد نما مانند خانواده های مجتهدی و ثقه الاسلام و امیران لشکر مانند، سرلشکر مقدم مراغه ای و خانواده صولتی، اسفندیاری،

پیشانی سفید. و خودش هم تحاشی در سرسپردگی به استبداد و تعارفی به آزادیخواهی ندارد. زیرا می گوید اسلافش همه در خدمت قاجار بوده اند و «در هر حال میرزا وارد خدمت آقا محمدخان شد. این میرزا، میرزا اسماعیل جد من بود». (3) و خود از کودکی در دربار ناصرالدین شاه پرورش یافت و به همه پادشاهان خونخوار قاجار از ناصر ادین شاه و مظفر الدین شاه و محمدعلی شاه علی قدر مرتب هم جان نثاری کرد و سر آخر از محبت ها و اعتمادات رضا شاه قلدر نیز برخوردار و به استناداری آذربایجان منصوب شد و ظلم ها و تحقیرها به خلق آذربایجان کرد که شرحش از حوصله خارج است. چنین موجودی باید چنان حرف هایی در باره نهضت 21 آذر و پیشه وری و انقلاب شوروی بنویسد.

بی پایگی چنین اظهار نظرهایی احتیاج به استدلال و تبیین منطقی و علمی تاریخ ندارد. فقط یک جو وجدان بیدار لازم است تا نویسنده بتواند قلم را از جولان در میدان دروغ نویسی و فساد که از نشر آن ایجاد می شود، نگهدارد. بهتر بود ابوالفضل قاسمی قبل از نوشتن چنین تاریخچه ای برای جبهه ملی و اظهار نظر در مسائلی که مربوط به پیدایش و تاریخ جبهه ملی نیست، نگاهی هم به روزنامه جبهه آزادی سال 1325 می کرد و از موضع گیری حزب ایران در باره مسائل آذربایجان حداقل مطلع و با خبر می شد. حزب ایران در مورد جنبش آذربایجان و غائله فارس در سال 1325 اینطور موضع گیری کرد: «بین قضایای فارس و نهضت آذربایجان از نقطه نظر ماهیت چه اختلافی وجود دارد؟ نهضت آذربایجان آزادیخواه، اصلاح طلب و مترقی است. در آذربایجان املاک را تقسیم می کنند و عوارض را حذف می نمایند. تمام عملیات در جهت ترقی دادن سطح زندگی دهقانان انجام می گیرد. در آذربایجان در عرض یکسال 500 مدرسه می سازند. بیمارستانهای متعددی ساخته، دانشگاه تشکیل می دهند. کودکان و تیمارگاه آماده می کنند. یعنی در بالا بردن سطح دانش اهالی کوشش فراوان مرعی میدارند. با تمام قوا راهها را تعمیر کرده، خیابان ها را آسفالت می کنند. از نا امنی جلوگیری کرده، در مقابل فساد با سختی مبارزه می نمایند. رهبران نهضت آذربایجان از آزادیخواهان مبارز قدیمی هستند که اغلب اهل فضل و دانشند. در درستکاری و پاکی اشخاصی مانند پیشه وری، دکتر جاوید یا شبستری حتی دشمنان نهضت نیز تردیدی ندارند. اینان مردمانی هستند که هیچگاه بمال مردم دست درازی نکرده، هیچوقت حق کسی را پایمال نکرده اند. و بهمین جهت در ایران پر از چپاول

تهران آمدند. روز ورود آنها، سران حزب توده با یک مشت پرتقال فروش و حمال و مزدور و دسته های گل و فریادهای زنده باد و پاینده باد، این مزدوران خارجی را بدست مریزاد جدا کردن آذربایجان از پیکر ایران در میدان طیاره استقبال کردند. باز خدا پدر آقای احمد قوام نخست وزیر را بیامرزد که محل اقامت این متمدین متکی به خارج را در خارج شهر معین کرد و افراد را از ملاقات آنها ممنوع داشته بود والا سران حزب توده حاضر بودند اشخاصی مانند آخوند لنکرانی را با یک مشت عمله بدر منزل این دسته گل ها بفرستند و آنها را از منزل بیرون کشیده، سر دست بگیرند و دوره بگردانند و باز موضوع تازه ای برای رادیو مسکو تحصیل کرده و این آدم کشان و راهزنان را از آنچه بدستور خارجی شده بودند، جری ترشان بکنند». (1)

ابوالفضل قاسمی هم عین همین حرف ها را بعنوان یک نویسنده ملی و زیر نام و عکس و عنوان دکتر مصدق در جزوه ای بنام «تاریخچه جبهه ملی ایران» رو نویسی می کند و می نویسد «از دید ما غائله فارس هر دو ساخته و پرداخته دست بیگانه بود و پیشه وری با جنگ و کشتار و محو آزادی و استقلال، آذربایجان را از ایران جدا کرد». (2)

زهر و سمی که این قلم های مزدور بر اذهان مردم گذاشته، به این زودی بر طرف نمی شود. به این جهت است که از جنبش آذربایجان فقط موضوع استقلال و تمامیت ارضی ایران و جدایی آذربایجان و سر آخر رژه 21 آذر و نجات آذربایجان توسط «ارتش شاهنشاهی» مورد بحث قرار میگیرد و بدنبال آن یک دنیا فحش و افترا به شادروان پیشه وری و همزمانش نثار می شود و هیچ اشاره ای به این نمی شود که پیشه وری که بود و چه کرد و نهضت آذربایجان روی چه مبانی و علل اجتماعی بوجود آمد و در مقابله با استبداد و ارتجاع رژیم سلطنتی وابسته به امپریالیسم و مالکیت های بزرگ چه کرد و چه تاثیری صعود و اوج و اعتلای آزادی در همه ایران و بویژه در تهران بجای گذاشت. چرا شکست خورد و چه عواملی در شکست این نهضت دخالت داشتند. قلم های مزدور و مرتجع و ملی گرای عبدالله مستوفی ها و مقاله نویسان «رعد امروز» ارگان سید ضیاء الدین طباطبایی و میر اشرافی مدیر روزنامه «آتش» و ابوالفضل قاسمی روی این جعل فرسوده میشود که «برای اینکه به اشاره خارجی بوجود آمده بودند، بدستور خارجی نیز رفتند».

سخن در باره عبدالله مستوفی و شناساندن او شاید زاید باشد. چرا که او از کارگزاران معروف انگلیس در ایران بود و گاوی است

یکی مردم ایران را بطرف ترقی و نیرومندی سوق می دهد، دیگری در بدبختی و فقر و تریاک نگاه می دارد. از این جهت است که از روز پیدایش نهضت آذربایجان ما سیاست خود را در پشتیبانی از آن قرار دادیم و گفتیم باید تا اصلاحات آذربایجان در سراسر ایران تعمیم یابد». (4)

این اظهار نظر و موضع گیری سازمانی بود که می توانست ادعای روشنفکری و واقع بینی کند. اما همین حزب بعثت نفوذ سنجابی، بیانی و قاسمی به آن حد از مذلت و ضلالت و ادبار رسید که هماهنگ و همسو با مرتجعین شد. این است که بعدها بین اظهار نظرها و تحلیل های سیاسی رهبران جبهه ملی با مخبر السلطنه، هدایت و عبدالله مستوفی تفاوتی مشاهده نمی شود. قلم های گمراه کننده عبدالله مستوفی و میر اشرافی و سید ضیاء و مسعودی موسس روزنامه اطلاعات با همه اختلاف و تفاوتی که با قلم های امثال خلیل ملکی و قاسمی دارند، بالاخره در یک نقطه بهم می رسند و آن مقابله با جنبش دموکراتیک ایران و اردوگاه سوسیالیسم است.

تقلب و تزویری که چنین نویسندگان ظاهرا ملی در مورد نهضت آذربایجان کردند، موجب شد که اذهان بسیاری از ایرانیان علیه پیشه وری و مجموعه جنبش ضد استبدادی و ضد استثمارگری آذربایجان مغشوش شود و هیجانات ناسیونالیستی توده مردم تهران و سایر ایالات ایران علیه آذربایجان و رهبران جنبش آن به غلیان آید. و همه سوابق و سنن انقلابی و تأثیرات بزرگ آن جنبش، در حیات مادی و معنوی جامعه ایران و نقش جنابیت بار امپریالیسم آمریکا و انگلس و حامیان داخلیش در شکست و خاموشی آن نهضت، در زیر پوشش دود و غبار حاصله از هیجانات شوونیستی و ملی گرایی، بچشم نیاید و به مرور زمان آن همه همت و جانفشانی خلقی به پا خاسته، به تجزیه طلبی و وطن فروشی و وابستگی معرفی شود. بر خلاف همه این سمپاشی ها حقیقت این است که که نهضت آذربایجان، جنبش و قیامی بود که از متن توده مردم بر خاسته بود و با همه ظرفیت و توان خود در مقابل ارتجاع و امپریالیسم ایستادگی کرد.

ادامه دارد.

- 1- (شرح زندگی من با تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه جلد سوم. ص 421 و 422 عبدالله مستوفی)
- 2- (تاریخچه جبهه ملی. ابو الفضل قاسمی. ص. 10)
- 3- (شرح زندگی من. عبدالله مستوفی. جلد اول. ص. 2)
- 4- (شماره 258 مورخ 25/7/8 سر مقاله جبهه ارگان حزب ایران)

ربع قرن اخیر فقیر و بی نام ماندند. ولی علمداران فارس بطور محقق مردمان آزادیخواه و اصلاح طلب نیستند. تاریخ صدساله جنوب سند قبلی کذب ادعای آنهاست. امروز که دم از اصلاحات بزنند ممکن است که بگویند هم، چنین و چنان خواهیم کرد. ولی آنهایکه با منطق قضاوت می کنند بحرف قانع نخواهند شد و میدانند، آنانکه تا دیروز مایه نا امنی، قتل و غارت و فقر فارس بوده اند، چگونه ممکن است بطور ناگهانی تغییر ماهیت داده طرفدار ترقی و سعادت فارسیان شوند. اینها که چندین سال در جنوب فعال مایشاء بودند چرا چند نفر طبیب برای آن نواحی نخواستند؟ چرا یک باب مدرسه باز نکردند؟ آنهایکه علمدار وقایع فارس هستند، نمی توانند آزادیخواه و اصلاح طلب باشند. حادثه فارس برای کشتن آزادی، برای ادامه ملوک الطوایفی، برای ازدیاد فقر و بدبختی است. ماهیت آن این است و هر که هرچه می خواهد بگوید، غیر از این نخواهد بود. که تمام اختلافات را از نظر دور نگاه می دارد، موضوع کمک خارجی است. بطور صریح می گویند هر دو واقعه بکمک بیگانگان انجام گرفته و بنا بر این از نقطه نظر ایرانیت یکی هستند. همه کس می داند که وقایع جنوب، متکی به انگلستان بوده، اسلحه، پول و اندرز انگلستان است که جنوب ایران را دچار این غوغا نموده است. از طرف دیگر هیچکس نمی تواند منکر شود که همان وجود قوای شوروی در آذربایجان بزرگترین کمک به نهضت آذربایجان بوده است. بر فرض هم که آذربایجان از شوروی اسلحه و پول نگرفته باشد همین که از قوای دولتی در نقاط مختلف آذربایجان سلب حرکت شده ... در شریف آباد جلوی ستون اعزامی گرفته شد، کافی بود که نهضت آذربایجان بتواند انقلاب خود را انجام دهد. پس هیچکس نمی تواند منکر کمک شوروی به نهضت آذربایجان باشد. ولی وجه اشتراک کمک خارجی برای آنکه هر دو را به یک چشم نگاه کنیم کافی است؟ مگر تمام وقایعی که دست خارجی در آن موثر است یکی باید طرد شود؟ روابط ما خارجی ها اجباری است. منافی که همسایگان ما در ایران دارند باید در حساب زندگی ما ملحوظ شود، چه بخواهیم چه نخواهیم روس و انگلیس در حیات اجتماعی - اقتصادی ما موثر هستند. همانطور که در زندگی تمام ممالک دنیا موثر می باشند. پس در هر عملی که پای خارجی در میان است باید اول منافع ایران را در نظر گرفت و پس از آن قضاوت کرد. نهضت آذربایجان را با توجه به عملیات و مخصوصا با در نظر گرفتن عاملین آن با واقعه فارس مقابله می کنیم. می بینیم

خشم و خروش مردم،...

نگرانی های رژیم از مدت ها پیش آغاز شده بود که گاهی نشانه های آن، از نگرانی و بیم مجلس نشینان، دولتمردان، اقتصاد دانان و کنشگران اجتماعی و سیاسی رژیم آشکار می شد، آنان در برخی موارد به تحقیر و تحریک مردم می پرداختند تا واکنش آنان را بسنجند و اتاق فکر و امنیتی خود را در مقابله با آن مهیا و آماده سازند. در این راستا همه دولتمردان و سیاسیون که نزدیک به 40 سال است بر سرنوشت سیاسی و اقتصادی جامعه حاکمند و اتاق های بازرگانی و مشاورین دانشگاهی آنان هم گله مند از شرایط اقتصادی و سیاسی، زبان به نقد گشوده و نگرانی خود را از خشم مردم بیان می داشتند. سعید لیلان اقتصاد دان در دومین کنگره استانی حزب کارگزاران و سازندگی نگرانی خود را اینگونه بر زبان می آورد و می گوید: احمدی نژاد بو می کشد که فروپاشی نزدیک است... آمار نشان می دهد که مردم کالری کافی دریافت نمی کنند، سرانه مصرف لبنیات کاهش پیدا کرده در سال چهارم انقلاب اسلامی 3 میلیون و 200 هزار نفر مواد غذایی برای خوردن شام شب ندارند و من ندیدم کسی عمامه به زمین بکوبد و یا علی شمخانی دبیر شورای امنیت ملی می گوید که دیگر جامعه به کارآمدی رژیم باور ندارد و علی لاریجانی هم ادامه می دهد که ما قادر به اداره کشور نیستیم، بودجه 97 کفاف اداره کشور را نمی دهد، چه برسد که بخواهد رونق ایجاد کند، بودجه ای برای عمران نیست و پولی هم در صندوق توسعه نمانده است. بنابراین جامعه در تب و تاب، جوانان بیکار و تحصیل کرده با مدارک دانشگاهی مایوس و سرخورده از رژیم و آینده خود، بازنشستگان روبرو با صندوق خالی، مالباختگان سرگردان در خیابان، کارگران و تهیدستان خمیده و رنجور از فشار اقتصادی و اجتماعی زمینه ساز این خروش و خیزش همگانی بودند که آن هم با تردستی جناح های مختلف ارتجاع فراهم شد و با گسترش خود در سرتاسر کشور لرزه بر اندام رژیم انداخت. هرچند همه جناح های رژیم برای حفظ موقعیت و مقام خود در حفظ آن تلاش می ورزند و گاهی همسو عمل می کنند ولی در اداره جامعه و اقتصاد اختلافات بنیادی و بینشی دارند که گاهی به برخورد های جدی می انجامد و در جامعه انعکاس می یابد.

روحانی که خود را معتدل و دولت خود را «اعتدال و امید» نامیده و از سوی مشاورین به شدت نئولیبرالیست اداره می شود بار ها از مداخله سپاه در اقتصاد انتقاد کرده و گفته است: که با ابلاغ سیاست های اصل 44، اقتصاد از دولت بی تفنگ به دولت با تفنگ واگذار شد، این چه خصوصی سازی است؟ در لایحه بودجه 1397 پیش بینی شده است که بخش مهمی از درآمد های بودجه از فروش سهام، دارایی های دولتی، خصوصی سازی و افزایش فروش خدمات، کالا های دولتی با نام «اصلاح قیمت ها» یعنی افزایش آن تامین شود که با توجه به نقد پیشین از سپاه و هشدار مشاوران اقتصادی رئیس جمهور، مانند مسعود نیلی، لیلان، نوبخت و دیگران که به شدت دلبسته اقتصاد نئولیبرالیستی در راستای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول هستند، مانع از خصوصی سازی به روش پیشین خواهند بود. آنان بر این باورند که ریاضت اقتصادی با پائین آوردن هزینه تولید، بویژه کاهش دستمزد ها زمینه پیوند اقتصاد را با اقتصاد جهانی فراهم می آورد و به ورود سرمایه های خارجی یاری می رساند، در نتیجه باید اقتصاد را با گذشت زمان از دست فرماندهان سپاه و حامیان سیاسی آنان در بدنه رژیم رها کرد. بنابراین کارشکنی فرماندهان سپاه و تیم سیاسی آنان از مدت ها پیش آغاز شده بود و با کاهش فروش نفت در ماه های اخیر فزونی می گرفت، تا جائیکه سپاه در تلاش راه اندازی گشت های شبانه بود تا از قرارگاه های خود بیرون آمده و در خیابان ها خود نمایی کند و زمینه حضور دراز مدت خود را فراهم سازد که با مخالفت وزارت کشور روبرو شد و وزیر کشور در مخالفت با آنان گفت که تامین امنیت به عهده نیرو های انتظامی و زیر نظر وزارت کشور است و نیازی به مداخله سپاه در این امور نیست. سپاه بدون توجه به گفته های وزیر کشور نیرو های خود را به خیابان ها فرستاد و یادآور شد که وظیفه اصلی سپاه حفظ انقلاب است. از آن رو می توان گفت که خیزش همگانی که از مدت ها پیش مطرح می شد قابل پیش بینی از سوی سران رژیم بود که با کار برد حيله و نیرنگ خواهان بهره برداری از آن بودند و تلاش می ورزیدند که سهم بیشتری از غنایم و دارایی های کشور را به خود اختصاص دهند. با لایحه بودجه که در آن اخذ مالیات از آستان قدس و دیگر نهاد ها

از منابع داخلی اند، بنابراین تضاد منافع و جهت گیری های سیاسی و اقتصادی، آنان را به جان هم انداخته که به نظر می رسد با مداخله نیرو های نظامی که منتظر فرصت و شرایط اند به پایان خواهد رسید.

آنچه مسلم است جوانان بستوه آمده از حيله و نیرنگ جناح های حکومتی دیگر فریب وعده و وعید های بی پایه و اساس آنان را نخواهند خورد و اگر هم امروز مجبور به ترک خیابان شوند در اولین فرصت بار دیگر به خیابان خواهند ریخت و شعار ساختار شکن خود را با عنوان « رفراندوم، رفراندوم، این است شعار مردم » تکرار خواهند کرد زیرا این رژیم با ساختار کهنه با بینش و روش ارتجاعی اش که محصول 4 دهه پیش است و در شرایط خاصی شکل گرفته جوابگوی نیاز های امروزی نیست و ظرفیت تغییر را هم ندارد، بنابراین دلخوش کردن به رویکرد برخی از جناح های آن که رفتار گوناگونی از خود در شرایط گوناگون نشان می دهند، راه به جایی نخواهد برد، زیرا در هنگام ضرورت برای حفظ رژیم باهم متحد خواهند شد، این رفتار را از محمد خاتمی رهبر اصلاح طلبان در ادوار مختلف دیده ایم که جوانان را گاهی ارازل و اوباش خوانده و گاهی هم فریب خورده و فرصت طلب نامیده است (بیانیه مجمع روحانیون مبارز در رابطه با تظاهرات مردم در سراسر کشور).

در پایان باید یادآور شد که نیروهای مسلح سپاه در کمین نشسته و در فرصت مناسب به میدان خواهند آمد و با کاربرد زور شعله تظاهرات را خاموش خواهند کرد ولی مبارزه برای آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی که از سوی این رژیم نابود شده و از بین رفته، همچنان ادامه پیدا خواهد کرد، در این میان نباید گول رفتار و گفتار شبه فاشیستی ترامپ و شرکاء را خورد که با حفظ منافع با ارتجاعی ترین قشر حکومتی در ایران و منطقه ارتباط برقرار می کنند و خیزش حق طلبانه توده های مردم را از مسیر اصلی خود منحرف می سازند، نگاه تحقیر آمیز خامنه ایی و دارو دسته اش به تظاهرات جوانان بستوه آمده از ظلم و جور رژیم و تکرار سخنان پیشین « که تحریک بیگانه در کار است » نشانه نیرنگ و حيله گری همیشگی است که فرصت طلبانه از آن استفاده می کند تا پیوند ساختگی بین خیزش فراگیر مردمی را با بیگانگان و یا سازمان های خود محور که خود را تنها آلترناتیو رژیم می پندارد برقرار سازد. بنابراین راه برون رفت، اتحاد و همبستگی و گذر از رژیم دینی و مذهبی و برقراری نظام فدرال در جامعه چند فرهنگی ایران و سکولاریزم است که پایه های آن را عدالت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تشکیل می دهد....

مطرح شده بود، صدای اعتراض ابراهیم رئیسی و علم الهدا بلند شد و نخستین اعتراض هم به گرانی ها و ناکارآمدی دولت از مشهد آغاز شد و به سرعت به همه شهر ها و مناطق دور افتاده و فقیر نشین سرایت کرد و با گسترش آن تمامیت رژیم زیر سؤال رفت و جنبش با مطرح کردن شعار های ساختار شکن و جدید مانند « اصلاح طلب، اصول گرا دیگر تمام است ماجرا » از آن گذر کرد. در همه این مدت برخی از تبهکاران و جانپان رژیم درمانده و به وحشت افتاده به لانه های خویش خزیده، منتظر حوادث و پیشآمد های آینده شدند و برخی دیگر از ذوب شدگان در ولایت و نمایندگان مجلس از حق اعتراض مردم به ستوه آمده از استبداد و فقر به دفاع از آن پرداختند که تا مدتی قبل به شدت با آن مخالفت می کردند و اعتراض را در مخالفت با خدا و ولی خدا می دانستند.

در حالیکه اعتراضات خود جوش مردمی در مخالفت با رژیم ولایت هر روز ابعاد وسیعتری بخود می گیرد و توده های مردمی از حاشیه به متن وارد می شوند و جوانان مایوس و سرخورده از بیکاری، فقر، استبداد و تحقیر با جانفشانی و از خودگذشتی پا به میدان مبارزه نابرابر می گذارند، رژیم هم به حيله گری و تبهکاری های خود ادامه می دهد و با چراغ خاموش ادوات سرکوب را با ابعاد وسیع و گسترده به مناطق مختلف (تبریز_ مشهد) گسیل می دارد که نشانگر اهداف دراز مدت و از پیش تعیین شده آن است. در این میان سخنگوی سپاه از عدم مداخله سپاه در اعتراض ها سخن می گوید و فرمانده آن به مداخله در سه شهر اعتراف می کند که خود نشانگر بازی های سیاسی، امنیتی و شکاف عمیق در راس هرم قدرت است. به نظر می رسد که سپاه بدنبال اهداف مشخصی حرکت می کند و تا درخواست شورای امنیت ملی برای سرکوب از قرارگاه های خود بیرون نخواهد آمد و در صورت مداخله هم به قرارگاه های خود باز نخواهد گشت، در نتیجه ایران به نقطه حساس، تعیین کننده و سرنوشت سازی رسیده است که به این زودی ها پایان نخواهد یافت. انباشت سرمایه از راه های دزدی و چپاول در دست جناح های قدرت به قدری افزایش یافته است که هر کدام از آنان سیاست اقتصادی و روابط خارجی خود را پیش می برند، بخشی از آنان خواهان پیوند با سرمایه جهانی و سیاست خارجی همسو با آنند و بخش دیگر خواهان ادامه سیاست گذشته و ادامه دزدی

تلویزیون به جای ساز عاشیق مرغابی نشان می دهند



اتفاق نمی‌افتد، تنها در تلویزیون کردستان بود که حدود یک ساعت اجرا داشتیم و آنجا بدون محدودیت اجرا را به‌طور کامل با نشان دادن ساز پخش کردند.

وی با بیان این مطلب که "موسیقی فولکلور یا نواحی مانند گنج است"، افزود: امروزه وقتی یک استاد در این حوزه سرش را زمین می‌گذارد و از دنیا می‌رود، این گنج را هم با خودش می‌برد و هیچ بازمانده‌ای به جا نمی‌گذارد. دلیلش هم این است که آنقدر به این عرصه بی‌مهری و بی‌توجهی صورت گرفته که این گنج هرگز فرصت پیدا نکرده به نسل‌های بعدی منتقل شود. حال آنکه داستان‌ها و آهنگ‌های محلی ما تنها به‌صورت سینه به سینه منتقل می‌شوند و این گنجینه باید با سرمایه‌گذاری دولت گردآوری و حفظ شود. اما الان وضع به گونه‌ای است که موسیقی‌هایی از فرهنگ‌های غیر ایرانی در کشور رشد کرده و موسیقی خودمان فراموش شده است. یعنی موسیقی ما اصلاً در دسترس فرزندانمان نیست.

عاشیق احد ملکی علیشاه با انتقاد از عملکرد تلویزیون‌های محلی و شبکه‌های استانی گفت: برای مثال در همین تلویزیون تبریز؛ چرا یکی از عاشیق‌ها روزی نیم ساعت اجازه ندارد یکی از داستان‌های این فرهنگ موسیقایی را برای مردم روایت کند تا مردم و به خصوص نسل جوان و نوجوان با فرهنگ خودشان آشنا شوند؟ چرا نباید مردم و دست‌کم شهروندان تبریز ساز فرهنگی خودشان را ببینند و با آن آشنا شوند؟ من بارها پرسیده‌ام که چرا وقتی اجراییم گهگاه از تلویزیون پخش می‌شود به‌جای نمایش ساز ما که نماد فرهنگ و گذشته تاریخی ما هست، تصویر مرغابی نشان می‌دهند؟ با رویه‌ای که در پیش گرفته شده از نسل آینده چه انتظاری

بارها پرسیده‌ام وقتی اجراییم در تلویزیون پخش می‌شود چرا به‌جای نمایش ساز ما که نماد فرهنگی است، تصویر مرغابی نشان می‌دهند؟ با رویه‌ای که در پیش گرفته شده از نسل آینده چه انتظاری داریم؟ صداوسیما مسئول بیگانگی نسل جدید با فرهنگ موسیقی کشور است.

عاشیق احد ملکی علیشاه (خواننده، نوازنده قیوز و سرپرست گروه عاشیق‌لار) در گفتگو با خبرنگار ایلنا گفت: آنچه ما در گروه عاشیق‌لار اجرا می‌کنیم مربوط به موسیقی فولکلور آذربایجان است. اعضای این گروه در اجراهای خود از سازهایی مانند قوپوز، بالابان، سورنا، قوال، ناقاره، گوشاناقاره و برخی سازهای دیگر مانند دهل استفاده می‌کنند.

این پژوهشگر موسیقی آذربایجان درباره واژه «عاشیق» در فرهنگ موسیقی آذری زبان‌ها گفت: روایت تاریخی در مورد واژه «عاشیق» به این صورت است که اسم اصلی «عاشیق» یا همین نوازنده قوپوز در گذشته «اوزان» بوده است. تا سلسله صفویه به این صورت بوده و از آنجا که صفویان بسیار به عاشیق‌ها بها می‌دادند؛ رفته رفته «اوزان»‌ها به «عاشیق» تغییر نام می‌دهند بعدها نیز نام ساز قوپوز به «عاشیق سازی» تغییر می‌کند. شما اگر در تبریز یا اردبیل یا ارومیه و هر جای دیگری که آذری زبان باشند، بگویید ساز می‌خواهم برای شما همین ساز قوپوز را می‌آورند.

وی همچنین عنوان کرد: برخی می‌گویند اگر «عاشیق» را با «آ» بنویسید از «آشماخ» به معنای "بازگو رن" می‌آید. در واقع می‌گویند این «عاشیق» یا «آشیق» یک داستان یا حقیقتی را برای مردم بازگو می‌کند ولی پروفیسور طهماسب که یکی از محققان شناخته شده در این حوزه است، می‌گوید «عاشیق» از همان عشق عربی می‌آید.

عاشیق احد ملکی علیشاه ضمن انتقاد از نوع نگاهی که به موسیقی نواحی به ویژه در صداوسیما وجود دارد، گفت: موسیقی کشورهای دیگر هر لحظه از ماهواره‌ها و شبکه‌های تلویزیونی آنها پخش می‌شود اما در ایران، موسیقی کشورمان که برآمده از فرهنگ خودمان است حتی در رسانه‌های ملی و ایرانی خودمان به ویژه در تلویزیون نمایش داده نمی‌شود. در صداوسیما ساز ما را نشان نمی‌دهند حتی در تبریز هم این

بوده و هستم؛ ولی همچنان معتقدم که باید از موسیقی نواحی حمایت جدی‌تری شود تا این اصالت‌ها رفته رفته از بین نرود و ما بتوانیم این داستان‌ها و مقام‌ها را به نسل‌های بعدی منتقل کنیم.

عاشیق احد ملکی علیشاه درباره قطعاتی که گروه «عاشیق‌لار» قرار است در سی و سومین جشنواره موسیقی فجر اجرا کند، گفت: از آنجا که موسیقی «عاشیق»‌ها موسیقی نقالی محسوب می‌شود و با موسیقی مقامی یا همان موقام تفاوت دارد، نوازنده دایره یا فاوال در گروه «عاشیق»‌ها همان کار موسیقی موقام را انجام می‌دهد و دستگاه‌ها و مقام‌ها را مانند سه‌گانه و ماهور و ترانه‌ها را اجرا می‌کند. «عاشیق»‌ها به سختی ترانه‌ها را می‌خوانند. ما در گروه «عاشیق‌لار» اجرایی تلفیقی از موسیقی عاشیقی و موسیقی مقامی را در جشنواره موسیقی فجر امسال روی صحنه می‌بریم.

این خواننده و نوازنده موسیقی عاشیقی در ادامه افزود: ما قطعه لشگری را که مخصوص منطقه هشت‌رود و یک قطعه حماسی محسوب می‌شود را اجرا می‌کنیم. همچنین آهنگ‌های «آنا ماهنیسی»، «جنگی کور اغلو سی»، «اوردوبادی»، «اوساری»، «سیره سلام گنیر میشم» و بسیاری قطعات دیگر را اجرا خواهیم کرد.

وی در مورد اعضای گروه «عاشیق‌لار» نیز گفت: عاشیق ستار بابایی (نوازنده قوپوز و خواننده) عباس رسول‌زاده (خواننده و نوازنده دایره)، فرامرز گلزارفر نوازنده بالابان)، باقر حیدری (نوازنده بالابان)، فرید ارس‌گری و وحید ارس‌گری (گوشا ناقاره)، تاروردی حیدری (همخوان و نوازنده دایره) و خود من به عنوان نوازنده و خواننده آهنگ‌های فولکور عاشیقی گروه «عاشیق‌لار» را در سی و سومین جشنواره موسیقی فجر همراهی می‌کنیم.

منبع: ایلنا

داریم؟ وقتی در شهر خودم ساز قوپوز که به فرهنگ خودمان ارتباط دارد را از ساز سه‌تار تشخیص نمی‌دهند، تقصیر چنین غفلت فرهنگی به غیر از صداوسیما برعهده کیست؟ صداوسیما مسئول بیگانگی نسل جدید با فرهنگ موسیقی گذشته ایران است.

این پژوهشگر همچنین عنوان کرد: مشکل دیگری که ما به شدت با آن درگیر بوده و هستیم؛ انتصاب افراد غیرمتخصص و ناآشنا به حوزه فرهنگ و هنر در سازمان‌ها و نهادهایی است که قرار است کار فرهنگی انجام بدهند و در این عرصه تصمیم‌گیری کنند.

ملکی گفت: «عاشیق تقی» اهل مرند بود که من در جوانی ایشان را در مجلسی در حال اجرا دیدم. ایشان وقتی داستان عاشیق عباس را روایت می‌کرد؛ اشک می‌ریخت. عاشیق تقی که فهمید من ساز می‌زنم، گفت یک ضبط صوت با چند نوار است بیاور که من این داستان را برای شما بگویم تا ضبط کنی و بعدها اجرا کنی. یک وقفه‌ای در این کار پیش آمد که مصادف با فوت کردن عاشیق تقی شد. او با اینکه بی‌سواد بود اما ۸۸ داستان را به‌طور کامل می‌دانست که وقتی عاشیق فوت کرد، آن گنجینه را با خودش به زیر خاک برد. ما هر قدر کتاب بنویسیم آیا باز می‌توانیم آن ۸۸ داستان عاشیق تقی را دوباره زنده کنیم؟!

عاشیق احد ملکی علیشاه درباره نحوه‌ی قرارداد جشنواره موسیقی فجر با گروه‌های محلی گفت: چند روز قبل جایی خواندم که گفته‌اند این جشنواره حدود یک میلیارد و هشتصد میلیون تومان بودجه برای برگزاری دارد. ما قراردادمان را براساس بلیت‌فروشی تعیین کرده‌ایم.

سرپرست گروه موسیقی «عاشیق‌لار» در ادامه افزود: من از مسئولان جشنواره موسیقی فجر بسیار تشکر می‌کنم که به فکر موسیقی نواحی نیز هستند و من همیشه قدردان این دوستان

فرقه دموکرات آذربایجان پروسه‌های منطقه‌ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی‌های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می‌دهد. پیشه‌وری

انقلابچینین باشینا گلن بیر حادثه دن بحث اولونور ۱۹۴۵-۱۹۴۶ جی ایلرده ایکی گنج



اونون بیزیم یاشدا ایکی اوغلو وار ایدی. بؤیوک اوغلو اشرف بئی، کیچیک اوغلو رحیم بئی ایدی. رحیم بئی چوخ جلد آدم ایدی. ئوزو ده ظارافاتیندان قالمزدی. بو شهرده ان حرمتلی بئی وار ایدیسه او دا شیخ علی بئی ایدی. اونا بو خبری ان معتبر یئردن چاتدیرمیشدیلا. آرادان چوخ کچمه دی کی، اونلارین اولدوغو شهری همین گون شاه قوشونو بورودو. بوتون کوچه لرده آتیلان توپ-توفنگ سسیندن قولاق توتولوردو. اونلار ئوز کؤهنه ئوزباشینالیقلارینی حیاتا کنچیرمک اوچون شهرین مرکزی کوچه لرینده چوخلو دار آغاجلاری قویموشدولار. آختاریشلارا باشلامیشدیلا. شهرین بعضی گورکملی بئرلرینده شعارلارلا یاناشی دار نیآغاجلاری قورولموشدو. شعارلار دا شعارچیلار دا همین یئرده آخشاملامیشدیق. اومیدیمیز اشرف بئی، رحیم بئی و آتاسی شیخ علی بئی ایدی. چونکی بو شهرین گیزی قاجیش یوللاریندان خبرسیز ایدیک. شیخ علی بئی آبیق حرکت اندیردی. او، نؤکرلریندن بیر- ایکیسینی انوین اطرافیندا یوسقودا قویموشدو. قورخولو خبر اولان کیمی تنز خبر وئرمه لی ایدیلر. او، انوینده بیزیم اوچون دؤشه مه ده خالی- خالچاتین اوستونده ۴-۵ یئرده دیرسکله نمکدن نوتری مخمر یاستیقلاار بئر- ایکی یئرده ده خور- خور غلیان قویموشدو. ماسانین اوستونده دونیانین ان یاخشی ایچکیلیری دوزولموش، یانیندا دا تزه فرانسیز کارتلی. بئی-ین تاپشیریغی ایله گنیملریمیزی ده ده-گیشیب بئی اوغلو اولموشدیق. هرهمیزه ده بی لقبی وئریمیشدیلا. ابراهیمی-یه - قمبرعلی بی، منه ایسه حیدرعلی بئی لقبی. هر ایکیمیز تبریز بئی-لریندن ایدیک. تاجیرلیکده

نیازی نوزو و انوشیروان حاقیندا باشلارینا گلن بیر احوالاتی نقل اندیب دئییردی:

تهران حکومتینین ۱۹۴۶- جی ایلین دکابریندا وطنیمیزه خائینجهسینه غفلت باسقینلاردان سونرا مرکزی کمیته نین تاپشیریغی ایله تبریزین یاخین شهرلریندن بیرینه مخفی تاپشیریغا گؤندریلمیشدیک. بیز بیر نچه تاپشیریغی یئرینه یئتیردیکدن سونرا بد خبر اشیتدیک. بیزه بو بد خبری قوناغی اولدوغوموز شیخ علی خانین اوغلو اشرف بئی وئردی. او، بو وقت چوخ هیجانلی ایدی. خبری دندیکجه خیانت دئییردی. بیز اونلارین چوخدانکی قوناقلاریندان ایدیک. بونا باخمایاراق کی، اونلارین عائلهسینده هنج بیر پارتیا عضوو یوخ ایدی. بو آداملارین بیزیم پارتیایا چوخلو اعتمادلاری وار ایدی. قوناقلارور عائله باشچیسی بو خبردن چوخ ناراحت اولموشدو. اوغلونان خبری اطرافلی اؤیره-ندیکدن سونرا بیر قدر فکره گئدی.

او، تنز هر ایکی اوغلونو یانینا چاغیریب، اونلارا نه ایسه تاپشیریق وئردی. سونرا انوشیروانین یانینا گلدی و دئدی: «اوغللاریم ایشلر چوخ پیسیدیر. شاه قوشونلاری آذربایجانین بیر چوخ شهرلرینی توتولار. ایندی هر دقیقه قورخولودور. تبریز الدن گئدیر. تهران حکومتی وحشی حرکتلری ایله بوتون شهرلرده چوخلو قاتلار آخیدیر. سیزینکیلر گنری چکیلیر. چوخلو فدائی قیریلیر. گوجلر برابر گلمیر. شاه قوشونلاری طیاره لردن، تانکلاردان، توپلاردان استفاده اندیر. چوخلو قاتلار آخیدیلیر. شهرده، کندلرده قان سو یئرینه آخیدیلیر. چوخ یئرلرده پوستلار قورولور. شهرلر آراسی آختاریشلار گئدیر. توده چیلری یئرینده جه گوله باران اندیرلر. شاه قوشونلاری چوخ سرعتله ایرلی گدیرلر. بنله گنتسه بورالارا حتی گلیب چیخاجاقلار. سیز هنج یئره ترپنمه بین، ائودن بابیرا چیخماق لازیم دئییل.»

شیخ علی بئی انله دانیشیردی کی، انله بیل اوزو بو ایشین ایچینده ایدی. او بیزه دئدی:

«اوغلانلاریم تاپشیرمیشام کی، سیزینله مشغول اولسونلار.»

قاباقدا هله چوخ قورخولو ایشلار وار. اشرف بنی بیزدن ده چوخ قورخوردو. او، قورخوردو کی، ائولریندن توده چی چیخیشا اونلارین آدی باتار، اوزلری ده کی، بویوک انگه له دوشرلر. بو خطادان یاخشی قورتاردیق. بیز بیر نچه ساعاتا بورالاری ترک انتمه لی اولدوق. اوزو ده بیزی همین آدلارلا و تاجیر پالتاریندا یولا سالدیلار. بو ایشی آخشاما قویمادیلار. شیخ علی بنی بیزی اوزونون ان اعتبارلی آدمالاری ایله، گیزی یوللارلا دوز تبریزه یولا سالدی. گندرکن بولدا بنله بیر دهشتلی منظره‌نین شاهیدی اولدوق. قان ایچن، قدار شاه قوشونلاری کافیر آدلاندیردیقلاری مهاجیرلرین باشلارینی بدنه‌لریندن آیریپ، کسک باشلاری یولون بیر حیصه سینه بدنه‌لری ایسه او بیرری حیصه‌یه آتیب اوزلری ده اورتالیقدا حرکت اندیردیله. بنله لیکله، بیز چوخ چتینلیکلرله تبریزه گلیپ چاتدیق. بوندان سونرا هر ایکی گنجین چتین گونلری باشلامیشدی. بیر نچه گون ایدی کی، تبریز شاه قوشونلاری طرفیندن آلمیشدی. شهرین چتینلیکله دوشمنلر طرفیندن آلماسینا باخمایراق، شهرین چوخ یئرینده و اطرافیندا هله ده توپ-توفنگ سسلری کسکیمه‌میشدی. شهرین بیر چوخ کوچه لرینده، اوز وطنلری اوغروندا جانیندان کچن قهرمان ایگیلریمیزین منبتلری فرش اوزه‌رینده، بعضیلری ایسه یاریمجان اولو، یارالی وضعیتده یتره سرله‌نیپ قالمیشدیله. شهرین بیر چوخ کوچه لرینده قان گولمه‌چلری تتر-تتر گوزه ده‌گیردی. شهر هرطرفلی شاه قوشونلاری طرفیندن احاطه اولونموشدو. گوجلو دوشمن الینده قاپی-پنجره لردن بنله باش چیخارماق اولموردو. آمریکا، اینگیلتره بورژوازی-یاسینین کمکینه آرخالانان شاهلیق اصول-اداره سینین هنگمونولوغو اوزونون ایچ اوزونو بو وضعیت ده گؤستریدی. اونلار بوتون آذربایجانا سوخولاراق، سلاحلی مداخله انتمه یه باشلامیشدیله. آذربایجانین شهر و کندلرینی آلیپ، چوخ سرت تترورا گیریشمیشدیله. دوغما شهرلریمیزی بادلاشدیرمیشدیله. بیزیمکیلرین بیر چوخو گئری چکیمه‌یه مجبور اولموشدولار. قوملر برابر اولمادیغیندان چوخلو قان آخیدیمیشدیله. مرکزی کمپته موقتی گئری چکیمه یی قرارا آلدی. بو واخت شهرده چوخ قاریشیق ایدی. هر گنجه آیری-آیری ائولرده قالیردیق، توده چیلری و اونلارا یاخین آدمالاری یئرینده جه گوله-باران اندیردیله. من بو دهشتلی گونلرده اوز حالیمایوخ دوستوم قارداشیم اولان انوشیروانین حالینا یانیردیم. بو قاریشقیقدا بیر-بیریمیزدن آیری دوشدوک. بو مصیبتلر هنج واخت یاددان چیخمایاجاق.

کریموف صیاد آقامی اوغلو (داسی)

تبریزده بیزدن آرتیق تاجیر تانیمیردی. اما اونو دئییم، بوندان قاباقکی گنجیمیزین اوزو بو بنی گنجیمیندن گئری قالمیردی. اونا گوره ده رحیم بنی بو حادثه دن قاباق بیزه ظرافاتلا دئییردی: «کلین گنجیمیزی ده-گیشک، سیزین یاخشی گنجیمیز وار» بیز بونو ظرافات بیلیردیک. ایدی او رحیم بنی بیزیم رولوموزو اوناییردی. او، یاخینلیقداکی پنجره دن تتر-تتر کوچه یه بویلانیردی. بیز گنجیمیزی ده-گیشک، آرتیق ایشه باشلامیشدیق. هر نین جیبینده نه پول وار ایدیسه اورتالیقدا ایدی. تتره جه خور-خور قلیانلار خورولدا بیردی کی، نؤکرلردن بیرسی جانی هووللو نوزونو ایچه‌ری آندی. او، تتر اشرف بیگه خبر چاتدیردی کی، آغا، اوچ-دورد علی سلاحلی ژاندارم بیزه یاخیشلاشیر. نؤکر سوزونو دئییددی کی، داروانین قاپی زنگی چالینماغا باشلادی. زنگ دایانمادان چالیر، قاپینین جفته‌سی ده وورولوردو. شیخ علی بنی بیزه ساکیت، تمکینلی اولماغی، نوزونوزو ایتیرمه مه یی تاپشیردی. او، نوزو اونلاری قارشیلانماغا گئندی. بیز بو واخت بالا-بالا ویسکیدن ووروب، قلیانلاری خورولدا بیردیق. انوی قلیان و ایچکی ایی-یی بوروموشدو. دئییه سن شیخ علی بیگله راضیلاشمیشدیله اونلاردان ایکیسی داروازا آغزینا قالیپ، ایکیسی ایسه پیله-کانالا ایکنجی مرتبه یه - بیزیم اولدوغوموز ائوه قالخیردیله. اشرف بنی دئییردی:

«سیزی کیمسه یامان ساتیب. سیز نوزونوزو او یتره قویمایین. «اتام دندی کیمی حرکت اندین».

بیز تتر الیمیزده کارت رولا گیرمیشدیک. هر ایکیمیزین گوزلری خومارلانیردی. کفلی رولوندا ایدیک. باسقیچیلار اللرینده سلاح ائوه داخل اولدولار. «قالخین آیاغا!» دئییب، هر ایکیمیزی حده‌لی-یه-حده لی-یه آدیمیزی، سویادیمیزی، اتالاریمیزین آدینی سوروشدولار. بیز تتره وئریمیش آدلاری تمکینله بیر-بیر دندیک. هاردان گلدیمیزی بیلدیلر. اونلار بیزدن حقیقی آدیمیزی دونه-دونه سوروشدولار.

«آغاجان، بیز بنله آدام تانیمیریق، بابا، بیز تاجیر آدمالاریق، توده چی - موده چی تانیمیریق. بیر قدر ده اوستونه قویوب، افسرین، به فرمایید (بویورون، زابلر) بیزیمله نوش اندین، خواهیش می‌کونیم (خواهیش اندیریک) نوش اندین، دئییه نندن سونرا اونلار بیزدن ال چکیب رد اولدولار.

اونلار گندندن سونرا هامیمیز راحت نفس آلا بیلدیک. آله چوخ شوکر کی، گندیلر دندیک ده، اشرف بنی چوخ ناراحت حالدا دندی، «چوخدا اینامایین کی، اونلار بیزدن بیر دفعه لیک گئسینلر.

نتیجه بستن مرزها با اقلیم کردستان

جمهوری اسلامی ۳ ماه و نیم مرزهایش را با اقلیم کردستان بست. اعتماد اهالی اقلیم کردستان را از دست داد و ۲ میلیارد دلار زیان کرد.

نایب رئیس اتاق بازرگانی ارومیه گفت در یک حرکت سیاسی در مدتی که مرزهای خود را با اقلیم کردستان بستیم، نزدیک به ۲ میلیارد دلار بازار صادراتی را از دست دادیم در صورتیکه در همین مدت صادرات ترکیه به اقلیم کردستان ۱۲۰ درصد افزایش پیدا کرد. علی ديلمقانیان در گفت‌وگویی با رسانه‌ها خبر داد: چند ماه پیش به خاطر مسائل سیاسی سه کشور ایران عراق و ترکیه تصمیم گرفتند مرزهای خود را با اقلیم کردستان ببندند و این کشور را تحریم کنند اما فقط ایران و عراق این کار را انجام دادند و ترکیه حتی یک ساعت مرز رسمی خود (خابور) را تعطیل نکرد.

وی ادامه داد: تمام کردها این مسئله را بیان می‌کنند که ما مدیون ترکیه هستیم زیرا ما را از بحران مواد غذایی و کالا نجات دادند مهم نیست که آن‌ها برای فروش کالای خود از چه ترفندهایی استفاده می‌کنند برای ما این مهم است که آن‌ها در موقع بحران به ما کمک کردند.

ديلمقانیان تصریح کرد: ما در این ۳ ماه و نیم نزدیک به ۲ میلیارد دلار بازار صادراتی را از دست دادیم در صورتیکه در همین مدت صادرات ترکیه به اقلیم کردستان ۱۲۰ درصد افزایش پیدا کرد این درحالیست که صادرات ما به اقلیم عمدتاً کالای ساخته شده با ارزش افزوده بالا بود در حالیکه صادرات ما به سایر نقاط بیشتر مواد خام است.

عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران تصریح کرد: مطابق آمار ارائه شده از سوی گمرک ایران ارزش افزوده هر تن کالای صادراتی ما ۳۵۰ دلار است در حالیکه این رقم در کالایهایی که به اقلیم می‌رود ۵۰۰ دلار است.

وی ادامه داد: تاجران و فعالان اقتصادی ما از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۷ برای برند سازی و در دست گرفتن بازار، سرمایه گذاری زیادی انجام دادند و متحمل هزینه‌های زیادی شدند اما در عرض این چند ماه به راحتی آن را از دست دادند.

"بیکاری کارگران"

نتیجه اجرای سیاست های سرمایه داری است

تنها راه نجات اقتصاد از رکود و بیکاری بازگشت به قانون اساسی و قانون کار است.

۳۰ سال تعدیل ساختار و خصوصی‌سازی که به جامعه تحمیل شده است، صنایع کوچک و بزرگ تولید کالایی را به رکود کشانده و کارگران زیادی را بیکار نموده است تا عده‌ای خاص با ژن برتر ثروتمند شوند.

ناصر آقاجری (فعال کارگران پروژه‌ای) در گفتگو با خبرنگار ایلنا گفت: در دهه‌های گذشته برخی ناخواسته و به دلیل بی‌خبری از سرشت و واقعیت‌های اجتماعی، مناسبات تبعیض آمیز لیبرالی را به‌جای برخی اصول قانون اساسی در ایران کاربردی کرده‌اند. در چنین مناسبات اجتماعی، منافع اکثریت مردم فدای برنامه‌های اعلام شده نهاد صندوق بین‌المللی پول می‌شود. سیاست‌هایی که تنها در جهت منافع سرمایه‌داری جهانی و یک اقلیت بی‌خبر از درون مایه مدنیت وطنی قرار می‌گیرد.

وی تاکید کرد: جامعه را تنها با عدالت اجتماعی و مناسباتی که استقلال اقتصادی کشور و منافع اکثریت را تضمین می‌نماید، می‌توان به‌سوی توسعه صنعتی - اجتماعی پیش برد.

به گفته آقاجری، این حقیقت است که دولت‌ها با ترفند و «آمار مهندسی شده» قصد دارند کارگران و طبقات فرودست را فریب بدهند و راه آمریکایی تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی را بروند؛ آنهم در شرایطی که اکثریت مردم زیر خط فقر، در تامین مایحتاج اولیه زندگی در مانده‌اند. حتی در بودجه‌ای که دولت برای سال آینده تنظیم کرده، این رویکرد به روشنی عیان است.

وی با بیان اینکه ادامه این مناسبات، قانون کار را سترون نموده است؛ گفت: ۳۰ سال تعدیل ساختار و خصوصی‌سازی که به جامعه تحمیل شده است، صنایع کوچک و بزرگ تولید کالایی را به رکود کشانده و کارگران زیادی را بیکار نموده است تا عده‌ای خاص با ژن برتر ثروتمند شوند.

آقاجری در پایان تاکید کرد: در شرایطی قرار گرفته‌ایم که هیچ راهکاری به جز بازگشت به قانون کار و قانون اساسی جواب نمی‌دهد. کارگران و طبقه مزدبگیر هم خواسته‌ای جز این ندارند. این تنها راهی است که می‌تواند اقتصاد ایران را از سرآشویی سقوط نجات دهد.